



مناطق روستایی به عنوان تولید کننده نقش بسیار کلیدی دارند. زنان روستایی بهره‌ورترین زنان جامعه هستند و از جمله افرادی هستند که در مشاغل تولیدی اشتغال دارند، بنابراین روشن است که توجه به زنان روستایی به عنوان یک بازوی قدرتمند در توسعه روستایی می‌تواند اثرات بسیار مثبت و انکارناپذیری را در این راستا به همراه داشته باشد. دسترسی زنان به زمین کشاورزی به آنها در قائل شدن این حق برای خود و تولید محصولات کشاورزی و تحقق اهداف کشاورزی به منظور افزایش بهره‌وری زنان از اهمیت بسزایی برخوردار است. دسترسی زنان به اعتبارات کشاورزی نیز موجب افزایش و بهبود بهره‌وری آنها در کشاورزی می‌گردد.

عضویت زنان در تعاونی‌های روستایی نیز به آنها در دریافت تسهیلات برای راه‌اندازی کسب و کار روستای کمک می‌کند.

بسیاری از پژوهش‌ها به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش زنان با بهره‌وری کشاورزی آنها ارتباط دارد. در واقع سال‌هایی که زنان از برنامه‌های آموزشی استفاده کرده‌اند، به طور معنی‌داری با درآمد و تولیدات آنها ارتباط دارد.

زنان در روستا با کمک در امر کشاورزی و سایر امور مربوط به روستا مثل دامداری، پرورش ماکیان، باغداری و ... و در سالهای اخیر شرکت در برنامه‌های مربوط به توسعه روستایی اعم از ساماندهی تشکلهای تعاونی مربوط به زنان، ایجاد و راه‌اندازی کارخانجات کوچک صنایع دستی در روستا و مکان فروش آنها، ساماندهی طرح اشتغال برای زنان و دختران ساکن روستا، فعالیتهای مربوط به پر نمودن اوقات فراغت زنان روستائی، مشارکت در امور مربوط به روستا که قبلاً فقط توسط مردان اداره می‌شد و ... فعالیت دارند.

و در حالی که کارت‌خوان سیار در دست دارد از مشتری پول می‌گیرد. خدیجه می‌گوید: «حاجی عمل قلب کرده و دیگه سال‌هاست که کار نمی‌کنه و خرج و مخارج خونه با من و دخترمه.»

از او می‌پرسم حالا که دستمزد ناچیزی دارد آیا بیمه هم هست؟ دخترش مریم پوزخند می‌زند و هر دو به خود می‌پيچند: «بیمه کجا بودیم؟ یک مدت بیمه روستایی بود که کارهایش را انجام دادیم اما دیگر خبری نشد بعدها هم بیمه سلامت که اون هم هیچی.»

زنان نیروی کار ارزان روستاها

در ایران حدود یازده میلیون زن روستایی زندگی می‌کند که تقریباً سی درصد جمعیت زنان را تشکیل می‌دهند. زنان روستایی نقشی فعال در تولید محصولات کشاورزی و دامی دارند. فعالیت‌هایی که اغلب بی‌دستمزد است و اهمیتی در اقتصاد و اجتماع نادیده گرفته می‌شود. مهدیه می‌گوید صبح‌ها ساعت چهار صبح از خانه بیرون می‌زند، گاوها را می‌دوشد چون باید با شیرشان ماست ببندد و بین مغازه‌ها پخش کند. مهدیه متفاوت از دیگران حرف می‌زند. خواسته و آرزوهایش شکل دیگری دارد و دچار روزمرگی نیست. او می‌گوید زود عروسی کرده‌اند. سیزده سال داشته و عاشق درس خواندن. «به خانه شوهر آمدم و دیدم اینجا دیگر خانه بابا نیست که بخوری و بخوابی. باید در پول در آوردن سهیم می‌شدم. اوایل از اینکه هیچ پولی نصیب من نمی‌شد اعصابم به هم می‌ریخت. دوست داشتم پول پس‌انداز کنم. رفته رفته شوهرم را راضی کردم تا بخشی از درآمدان را به من هم بدهد. پس‌انداز کردم و رفتم کلاس سوادآموزی. آن قدر گفتم که می‌خواهم درس بخوانم تا شوهرم کلافه شد و بالاخره رضایت داد. الان حداقلش این است که میتونم حساب کتاب کنم.»

زنان روستایی در کارهای کشاورزی، منابع روستایی و خدمات در